

اسطوره‌ای به نام اراده!

آیا کارهایی که انجام می‌دهیم، براساس اختیار و اراده آزاد خود ماست یا معلول شرایط و عوامل بیرونی است؟..



آیا کارهایی که انجام می‌دهیم، براساس اختیار و اراده آزاد خود ماست یا معلول شرایط و عوامل بیرونی است؟

آیا اراده آزاد و اختیار، توهمی بیش نیست؟ این مسئله به‌ویژه آنگاه دشوار فهم می‌شود که بدانیم در پژوهش‌های جدید، مرکز اراده آزاد در بخشی از مغز به نام قشر «مخ آهیانه‌ای» قرار گرفته است. با دستکاری کردن این بخش به راحتی می‌توان رفتارهایی را در انسان پدید آورد. آنجلا سیریگو، عصب‌شناس معاصر در این باره می‌گوید: «این به ما نشان می‌دهد که قسمت‌های مشخصی از مغز وجود دارد که درگیر حرکت‌های اختیاری شماست.» بحث اراده آزاد و اختیار نیز در فلسفه جایگاه نسبتاً طولانی‌ای دارد و موضع‌گیری‌های متفاوتی درباره آن شده است. مطلب حاضر گزارشی است کوتاه از نشست‌هایی که هفته گذشته در انجمن پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

سخنران این جلسه دکتر آذرخش مکرری، روانپزشک و معاون آموزشی مرکز ملی مطالعات اعتیاد بود. وی که تجربه 10 ساله کار با معتادان را در انبان خود دارد، در سال‌های اخیر به نقش اراده آزاد در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها توجه زیادی کرده است.

به نظر وی، نمی‌توان خط فاصل دقیقی میان رفتار آزادانه و غیرآزادانه کشید و باید بیشتر در رفتار و منش انسان‌ها دقت کنیم؛ «در مدت این 10 ساله که کارم را در مرکز ملی مطالعات اعتیاد آغاز کردم، تلاش کردم تا مباحث نظری و شناختی را هم پی بگیرم. این بود که وقتی به معتادانی برمی‌خوردم که در پاسخ به این پرسش که چرا دنبال مواد رفتی؟ می‌گفتند: «دست خودم نبود» یا «از اراده‌ام خارج بود»، از خودم می‌پرسیدم که چگونه این فرد (معتاد) می‌تواند منکر اراده شخصی خود در رفتن به سمت مواد مخدر شود؟ آیا او واقعاً در این عمل مختار نبوده است؟ آیا مجبور بوده است؟ اگر اجباری در کار بوده، این اجبار از کجا نشأت گرفته است؟»

معاون آموزشی مرکز ملی مطالعات اعتیاد با بیان این نکات افزود: «وقتی پای این مباحث به روانپزشکی کشیده می‌شود، مشاهده می‌شود که به راحتی نمی‌توان این احساس سوپرتکنیو را درک کرد. ما در اینجا با افراد (معتادان) روبه‌رویم که در عین اینکه از آگاهی و اراده خود حرف می‌زنند اما به‌آسانی نمی‌توان آن را مشخص کرد. به بیان بهتر، نمی‌توان درباره اراده و جایگاه آن در تعیین رفتارهای انسانی به راحتی داور کرد.»

دکتر مکرری در تایید نظر خود، با برشمردن نمونه‌های رفتاری‌ای چون رفتارهای تکانه‌ای کنترل خشم، سندرم‌های علائم منفی، اعتیاد، وسواس، افسردگی، هیستری، اسکیزوفرنی و تمارض گفت: «در تمام این موارد، بیماران می‌گویند رفتارهای ما دست خودمان نبود. مثلاً از یک بیمار اسکیزوفرنی می‌خواهند دستش را بالا برد و وقتی بالا برد، از وی می‌پرسند: چه کسی دست تو را بالا برد؟»

او در جواب می‌گوید: دستگاهی در مغزم کار گذاشته شده که این کار را می‌کند، دست خودم نبود. یا یک بیمار هیستریک، عصب دستش سالم است اما نمی‌تواند دستش را به فرمان ما بلند کند. در تمام این موارد، اذعان به چیزی بیرون از اراده آزاد و اختیار فرد می‌شود. در فرانسه قرون وسطی، افراد دور میزگردی می‌نشستند و تک‌تک به نوبه خود آن را می‌چرخاندند ولی هر یک چرخش آن را به ارواح نسبت می‌دادند. اگر خوب نگاه کنیم، می‌بینیم که هیچ‌یک از این افراد دروغ نمی‌گفتند.

آنها واقعاً باور کرده بودند که این کار را انجام نمی‌دهند. «دکتر مکرری با طرح این پرسش که چگونه بشری که اراده آزاد دارد به این راحتی خطا می‌کند، گفت: «خیلی به آن احساس درونی‌ای که به ما می‌گوید این کار، کار و انتخاب من است، مطمئن نباشیم. تنها مسئله این نیست که من اراده آزادی را به خودم نسبت بدهم. از سال 1900 تا 1999 از بسامد واژه «Volition» (اراده) در ادبیات روانپزشکی و علوم‌شناختی کاسته شده است. گویا امروزه روانپزشکی خیلی دوست ندارد این واژه را به کار گیرد.»

وی در توضیح احساس اراده معتقد بود که در 3 حالت می‌توان گفت اراده آزاد وجود دارد:

«1- اراده به منزله تصمیم‌گیری و انتخاب 2- اراده به منزله کنترل عمل 3- اراده به منزله شروع اختیاری عمل. اگر در همه این موارد دقت کنیم، می‌بینیم که بخش‌هایی از مغز فعال می‌شود. به بیان دیگر، در احساس‌هایی که با تعبیر آزادبودن همراه هستند، بخش‌های خاصی از مغز فعال می‌شود. در همین راستا، نیلز بوهر، فیزیکدان مشهور، متوجه قضیه مهمی شد. او علاقه عجیبی به دیدن فیلم‌های وسترن داشت.

او متوجه شد که وقتی 2 شخصیت وسترن در برابر هم اسلحه می‌کشند، آن فردی که اول اسلحه کشیده کشته می‌شود و دومی اکثراً زنده می‌ماند. چرا؟ بعدها دانشمندان علوم‌شناختی به این نتیجه رسیدند که آن کسی که اول هفت‌تیر می‌کشد، باید فرایندهای مغزی بیشتری را برای عمل خود طی کند اما در مقابل، رفتار آن فرد دیگر، واکنشی است. این نشان می‌داد که عمل آزادانه (مورد اول) انرژی بیشتری از مغز می‌گیرد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران بار دیگر با طرح پرسش اراده آزاد چیست؟ ادامه داد: «علم چگونه می‌تواند احساس درونی اراده آزاد را توجیه کند؟ مثلاً چه توجیهی می‌توان آورد اگر کسی مابین «دایره» و «مربع» دایره را انتخاب کند؟ اولین سوال این است که چرا مربع را انتخاب نکرد؟»

کانونی در مغز وجود دارد که اگر آن را دستکاری کنیم، مثلاً فلان حرکت اتفاق می‌افتد اما فردی که در معرض چنین دستکاری مغزی‌ای بوده، ارتکاب این عمل را به خودش نسبت می‌دهد. در روان‌شناسی آزمونی به نام «فعال‌سازی طرح‌واره‌ها» وجود دارد. در این آزمون که انواع گوناگونی دارد، افراد تحت آزمایش را از بیرون با اموری تحریک می‌کنند. آنگاه افراد تحت تاثیر آن امور رفتارهایی مشابه و غیر ارادی انجام می‌دهند. مثلاً در طرح‌واره‌ای فهرست واژه‌هایی را در اختیار افراد قرار می‌دهند و از آنها می‌خواهند، واژه‌هایی را که بار سالمندی دارند، بیرون بکشند. پس از انجام آزمایش، مشاهده شده که این افراد تحت تاثیر این واژگان و فضای معنای آنها، رفتارهایی

سالمندانه از خود بروز می‌دهند. برای نمونه مدت زمانی که از کریور خارج شدند، بسیار کندتر از حد مورد انتظار بوده است. این آزمایش‌ها نشان می‌دهند که عاملی بیرونی سبب فعال‌سازی رفتارهای افراد تحت آزمایش بوده است.»

این روانپزشک در توضیح یکی دیگر از رفتارهای غیر ارادی انسان‌ها یادآور شد: «انسان‌ها ناخواسته و ناآگاهانه از یکدیگر تقلید می‌کنند. این فرایند سبب افزایش رفتار مشابه می‌شود. ما فکر می‌کنیم که اگر از دیگران تقلید کنیم، آنها ما را بیشتر دوست خواهند داشت. نیز ما از کسانی که بیشتر دوست‌شان داریم، تقلید می‌کنیم. مثلاً دائماً می‌گوییم که فلانی را به دلیل افکارش دوست دارم، غافل از اینکه اگر کمی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که ما او را صرفاً به این علت که به گونه‌ای عین رفتار ما را تقلید کرده، دوست می‌داریم.

در همه این موارد یک امر مشترک وجود دارد و آن اینکه ما رفتارهایی را که در دیگران می‌بینیم، بدون آنکه اراده کنیم انجام می‌دهیم ولی ادعا می‌کنیم که خودمان خواسته‌ایم و ارادی بوده است. بنابراین، آنقدر هم ساده نیست که بگوییم ما اراده آزاد داریم. همان‌گونه که انسان‌ها از نظر درون‌گرایی و برون‌گرایی تفاوت دارند، از این نظر هم نیز عده زیادی وجود دارند که کارهایی را که انجام می‌دهند، به دیگران انتساب می‌دهند و عده‌ای دیگر برعکس. به عبارت دیگر احساس اراده و انتخاب آزاد یک چیز است و یک عمل و رفتار آزاد و اختیاری چیزی دیگر.»

دکتر مکرر در پایان یادآور شد: «در اغلب موارد، آنچه را که اراده آزاد می‌نامیم، بیشتر برداشت درونی افراد و ناشی از «سیک انتساب» آنهاست. به عبارت دیگر آنچه بیشتر تحت عنوان اراده آزاد نام می‌گیرد، مولود شرایط بیرونی، ژنتیک و گستره درونی ماست. این بیان، حاکی از این است که اگر حس کردیم اراده آزاد داریم، ممکن است واقعی نباشد و برعکس و از این رو، برای فهم رفتارهای خود به دنبال تفسیرهایی دیگر برویم. عده‌ای از روان‌شناسان معتقدند که اگر ما در مقابل هوس‌های خود ایستادگی می‌کنیم، بیشتر به دلیل ضعف بودن هوس‌های ماست، تا دلیلی بر قدرت ما.

شاید اراده هم نوعی برداشت ماست، یا به قول رابِل، یک اسطوره است. شاید هم بتوان روزی این اصطلاح (اراده آزاد) را بهتر و دقیق‌تر بیان کرد. بی‌تردید، من نمی‌خواهم بگویم بشر آزاد است یا نیست. شاید بیشتر از آنچه در خود احساس اراده آزاد می‌کنیم، صرفاً برداشت (سیک انتساب ما به پدیده‌ها) خود را باز می‌تابانیم.»

محمدرضا ارشاد